

اختیارات ذاتی داوران در داوری تجاری بین‌المللی

همایون مافی* علیرضا فتاحی**

چکیده

داوران در مسیر نیل به هدف نهایی خود در حل و فصل اختلاف‌های میان طرفین دعوا، دارای اختیاراتی هستند که از موافقت‌نامه داوری و یا قانون قابل اعمال ناشی می‌شوند. با این وجود برخی از اختیارات به‌طور صریح به دیوان‌های داوری توسط اسناد مؤسس آنان اعطا نمی‌شوند. ولی این اختیارات برای اجرای عملکرد این دیوان‌ها و حفظ اعتبار و اقتدار آن‌ها ضروری هستند؛ به‌طوری که دیوان‌های داوری را قادر می‌سازند به نحو مؤثر فعالیت کنند. منابع اختیارات ذاتی در رویه داوری بین‌المللی عمدتاً شامل اصول کلی حقوقی، دکترین اختیاراتی ضمنی، ماهیت قضایی دادگاه‌های بین‌المللی و عملکرد دادگاه‌های بین‌المللی در حل و فصل اختلاف‌ها و تضمین اجرای صحیح عدالت بین‌المللی می‌شود. محدود کردن داوران به اختیارات قراردادی یا قانونی دیوان داوری را با چالش‌های زیادی همراه خواهد کرد. سوال پژوهش این است که اختیارات ذاتی داوران از چه منابعی سرچشمه می‌گیرد. یافته‌های این پژوهش در رویه دیوان‌های داوری بین‌المللی نشان می‌دهد که داوران در شرایط خاصی از اختیارات ذاتی برگرفته از ماهیت نهاد داوری برخوردار هستند.

واژگان کلیدی: اختیار ذاتی، داوری بین‌المللی، داور، دیوان، موافقت‌نامه.

* استاد گروه حقوق خصوصی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

hmynmafi@yahoo.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران

alirezafattahi1997@gmail.com

سرآغاز

منبع اختیاراتی داور با توجه به ماهیت قراردادی نهاد داوری، موافقت‌نامه داوری خواهد بود. علاوه بر آن، قوانین و مقررات حاکم بر داوری نیز می‌توانند مبین اختیارات و صلاحیت‌های داوران در داوری باشند. در این راستا، به اختیاراتی که به دلالت صریح در منابع داوری بیان شده‌اند، اختیاراتی صریح اطلاق می‌شود. محدودیت‌های زبانی منابع داوری، عدم تنظیم موافقت‌نامه‌های داوری توسط اشخاص متخصص و عدم اصلاح قوانین داوری متناسب با تحولات روز سبب ایجاد محدودیت‌هایی بر اختیاراتی صریح داوران می‌شوند. در چنین شرایطی، دکرین اختیاراتی ضمنی با تأکید بر اصل تفسیر مؤثر منابع داوری، اختیاراتی ضمنی را در راستای تکمیل مندرجات منابع داوری در اختیار داوران قرار می‌دهد (ILA Report, 2014: 14). علاوه بر آن، گاهی در قوانین داوری نظیر ماده ۲۳ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، ماده ۲۱ قواعد داوری ایکسید و ماده ۴۰ قواعد داوری آنسیترال، در زمینه مشخصی نظیر نحوه برگزاری جلسه استماع، برآورد هزینه‌های داوری به داوران اختیاراتی صوابدیدی اعطاشده که بر اساس آن، داور طبق صوابدید و نظر خود نسبت به اتخاذ تصمیم در محدوده مشخص‌شده از سوی قوانین مزبور اقدام خواهد کرد. در نتیجه داور از اختیاراتی سه‌گانه صریح، ضمنی و صوابدیدی به‌عنوان اختیاراتی برگرفته از منابع داوری برخوردار خواهد بود. با این حال، گاهی داور در شرایطی قرار می‌گیرد که منابع داوری توانایی تأمین اختیاراتی داور به‌وسیله اختیاراتی سه‌گانه فوق را نخواهد کرد. از سوی دیگر، محدود کردن اختیاراتی داور به منابع داوری، دیوان داوری را با چالش کارایی و کارآمدی روبرو خواهد کرد. در چنین شرایطی، ضرورت اجرای عملکرد و وظایف دیوان داوری ایجاب می‌کند که داوران از اختیاراتی ذاتی برگرفته از نهاد داوری برخوردار باشند. از طرفی نیز خروج داور از حدود اختیاراتی به نحوی است که اتخاذ هرگونه تصمیم نادرست از سوی داور در چنین شرایطی، ممکن است وی را با چالش‌هایی همراه کند، از جمله این‌که از حیطة اختیاراتی قانونی و قراردادی خود فراتر

رفته است. لذا ضروری است تا به این سؤال‌ها پرداخته شود که نخست، منشأ حقیقی اختیارات ذاتی چیست؟ دوم، میان اختیارات ذاتی و سایر اختیارات برگرفته از منابع داوری چه تفاوت‌هایی وجود دارد؟ سوم، آیا موافقت‌نامه داوری و یا قانون حاکم بر فرایند داوری، از قابلیت تحدید اختیارات ذاتی برخوردارند؟ نظر به رویکردهای متفاوت مفسرین و داوران در پاسخ به سؤال‌های مزبور، در گفتار اول به منشأ اختیارات ذاتی پرداخته خواهد شد. در گفتار دوم، وجود تمایز و تشابه میان مفاهیم اختیارات ذاتی، ضمنی و صوابدید مورد بررسی قرار می‌گیرد. در گفتار سوم، موضوع قابلیت و یا عدم قابلیت تحدید اختیارات ذاتی در منابع داوری مورد بحث و مذاقه قرار گرفته و در نهایت در گفتار چهارم، اختیارات ذاتی در رویه دیوان‌های داوری بین‌المللی مورد واکاوی قرار خواهد گرفت.

۱. منشأ اختیارات ذاتی

استنباط دقیق مفهوم اختیارات ذاتی، مستلزم درک اجمالی از مبانی ارائه‌شده در ارتباط با منشأ اختیارات ذاتی دیوان‌های داوری است. در این راستا با توجه به ماهیت تعریف‌نشده و غیرمکتوب اختیارات ذاتی، دیدگاه‌های متعددی نسبت به منشأ اختیارات ذاتی شده از سوی حقوقدانان تبیین شده که ذیلاً به بررسی هر کدام خواهیم پرداخت.

۱-۱. اصول کلی حقوقی

اگرچه تعریف مفهوم اصول کلی حقوقی محل مناقشه است، اما برخی از آن به‌عنوان مخرج مشترک نظام‌های حقوق داخلی تعبیر کرده‌اند که قدر متیقنی از آن در نظام‌های حقوقی وجود داشته و قوانین داخلی آن‌ها را به رسمیت شناخته و لازم‌الاجرا می‌دانند (محبی، ۱۳۷۸: ۸۲). میزان تأثیر اصول کلی حقوقی به‌عنوان یک منبع در دادرسی‌های بین‌المللی هنوز مشخص نیست و صرفاً در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، از آن به‌عنوان یکی از منابعی که دیوان دادگستری در حل و فصل اختلاف‌ها

ملزم به رجوع به آن است، ذکر شده است. از این رو، برخی قضات و نویسندگان بر این باورند که اختیارات ذاتی به اختیاراتی اطلاق می‌شود که برگرفته از اصول حقوقی شناخته شده در سطوح داخلی و بین‌المللی باشند (Gaeta, 2003: 359). بر این اساس، برخی دیوان‌های داوری بین‌المللی هنگام استناد به اختیار ذاتی خود، به حاکمیت اصول کلی حقوقی اشاره داشته‌اند. برای مثال، دیوان بین‌آمریکایی حقوق بشر در پرونده جنی لاکایو^۱ در توجیه اختیار ذاتی خود برای تجدیدنظر در احکام صادره، به اصول کلی حقوقی در دادرسی داخلی و بین‌المللی^۲ استناد کرده است.^۳ همچنین دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی نیز در پرونده دیگری در توجیه اختیار ذاتی خود در صدور دستور موقت مقرر داشت که «یک اصل کلی حقوقی وجود دارد که طرفین پرونده باید از هرگونه اقدامی که به حقوقی که موضوع رسیدگی این دادگاه لطمه وارد می‌کند خودداری کنند»^۴.

با این اوصاف، به نظر نمی‌رسد بتوان اصول کلی حقوقی را مبنای جامعی برای منبع اختیارات ذاتی دانست، خصوصاً که اختیارات ذاتی اختیاراتی هستند که در منابع اختیاراتی داور به آن تصریح نشده و فرض وجود اصول کلی حقوقی به‌عنوان منابع اختیار داور با ماهیت اختیارات ذاتی منافات خواهد داشت. همچنین تأثیر اصول کلی

1. Genie Lacayo

۲. دیوان به‌طور خاص به اصل *Jura Novit Curia* یا اصل *The Court Knows the Law* یعنی دادگاه قانون را می‌داند اشاره کرد. اصل مزبور مقرر می‌دارد که طرفین یک دعوا نیازی به اثبات قانون حاکم بر دعوی خود ندارند (Mantakou, 2014: 448).

3. Genie Lacayo Case, 1997 Inter-Am. Ct. H.R. (ser. C) 30 (1997). Cited in:

<http://hrlibrary.umn.edu/iachr/C/45-ing.html>

4. Belgium v. Bulgaria, 1939 P.C.I.J. (ser A/B) 79 (1939). Cited in:

http://www.worldcourts.com/pcij/eng/decisions/1939.12.05_electricity.htm

مشابه چنین استدلال‌هایی را می‌توان در تصمیم مرکز داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) مشاهده کرد که مقرر داشته: «طرفین باید از هرگونه رفتاری (اعم از فعل یا ترک فعل) که باعث تشدید اختلاف می‌شود خودداری کنند و داورانی که تحت مقررات این نهاد عمل می‌کنند، اختیار اتخاذ تصمیم‌های منع چنین رفتاری را دارند»:

ICC Case No. 10596, Interlocutory Award, 2000, in XXX Y.B. COMM. ARB. 2005 66. Cited in: Bjorklund & Brosseau, 2018: 54.

حقوقی در برخی فروض اختیارات ذاتی نظیر اختیار تشخیص صلاحیت و یا تجویز مشارکت ثالث در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. در نهایت، حتی اگر اصول کلی حقوقی را بتوان به‌عنوان مبنای معقول و صحیح برای اختیارات ذاتی قرار داد، با توجه به تفاوت ماهیت دادگاه‌های بین‌المللی و دیوان‌های داوری بین‌المللی، به دشواری می‌توان آن را در خصوص اختیارات دیوان‌های داوری جاری دانست، خصوصاً که نهاد داوری یک نهاد خصوصی حل‌وفصل اختلاف بوده و از این بابت تبعیت‌پذیری کمتری در مقایسه با دادگاه‌های بین‌المللی نسبت به اصول کلی حقوقی بین‌المللی به‌عنوان منبع اختیارات داور دارد.

۱-۲. اختیار ضمنی

این رویکرد با اتکا بر دکترین اختیارات ضمنی در حقوق بین‌الملل اختیارات ذاتی را اختیاراتی برگرفته از اراده ضمنی طرفین موافقت‌نامه داوری می‌داند که به وسیله تفسیر سند مؤسس یک نهاد بین‌المللی صورت می‌پذیرد (Paparinskis, 2011:10). بر این اساس، اختیارات ذاتی یک نهاد را باید همچون اختیارات صریح در سند مؤسس آن نهاد دانست، اما این نکته را نیز باید مدنظر قرار داد که چنین اختیاراتی به دلالت ضمنی اعطاشده و باید به‌وسیله تفسیر مؤثر سند مؤسس مستفاد شوند (Brown, 2006: 225). در تأیید این رویکرد، می‌توان به تصمیم دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده لاگراندا اشاره داشت که دیوان در پاسخ به این سؤال که آیا اختیار صدور دستور موقت لازم‌الاجرا را دارد یا خیر؛ با پذیرش تفسیر ماده ۴۱ اساسنامه دیوان، به این نتیجه رسید که دارای اختیار صدور دستورات موقت لازم‌الاجرا خواهد بود.^۱

با این حال، در عمل به نظر نمی‌رسد که دیوان‌های داوری بین‌المللی عموماً در جایگاه تعریف اختیارات ذاتی خود، به دکترین اختیارات ضمنی تکیه کنند. حتی استدلال‌های موجود در برخی از آرای دیوان بین‌المللی دادگستری بیشتر با تعریفی که

1. La Grand Case (Germany v United States of America), I.C.J. (2002) ICLQ 449. Cited in: Brown, 2006: 226.

در سازمان‌های بین‌المللی از اختیاراتی ضمنی وجود دارد انطباق دارد (Gaeta,2003: 362). در نتیجه، اختیاراتی ضمنی به اختیاراتی اطلاق می‌شود که برگرفته از تفسیر اسناد مؤسس داوری است، در حالی که اختیاراتی ذاتی مستقل از منابع اختیاراتی داوران بوده و به ماهیت داوری به‌عنوان نهاد حل اختلاف برمی‌گردد (Paparinskis, 2011: 10).

۱-۳. هویت دادگاه‌ها به‌عنوان مجموعه‌های قضایی

سومین منشأ اختیاراتی ذاتی بر اساس هویت دادگاه‌ها تعریف شده است. بر این اساس، اختیاراتی ذاتی به اختیاراتی گفته می‌شود که در یک دادگاه به جهت شخصیت قضایی آن مفروض تلقی می‌شود (Caron, 1986: 476). به نظر می‌رسد، این رویکرد با پیشینه اختیاراتی ذاتی در دادگاه‌های انگلستان انطباق بیشتری داشته باشد. دادگاه‌های انگلیس به صلاحیت ذاتی خود برای اعمال اختیاراتی قواعد دادرسی خاص از زمان‌های قدیم استناد کرده‌اند (براون، ۱۳۹۴: ۱۰۱).

چشم‌اندازی از این دیدگاه در تصمیم‌های دیوان‌های داوری و دادگاه‌های بین‌المللی مشهود است. برای مثال دیوان داوری در دعوی ایالات متحده علیه شرکت ریو گراند ایریگیشن^۱ در اثبات اختیاراتی خود برای رسیدگی به مسائل ابتدایی مربوط به صلاحیت ضمنی توسط به اختیاراتی ذاتی خود آن را در هر مرجع حل اختلافی مفروض دانست.^۲

این دیدگاه نیز قابل پذیرش به نظر نمی‌رسد، زیرا ارائه هرگونه اختیاراتی به هر مرجعی به‌واسطه برخورداری از هویت قضایی خطر ارائه طیف گسترده‌ای از اختیاراتی فاقد چارچوب را به همراه خواهد داشت. افزون بر آن، پذیرش این دیدگاه، منتهی به

1. United States v. Rio Grande Irrigation Co

2. United States v. Rio Grande Irrigation and Land Company, Ltd. (Great Britain), Arbitrage ad hoc, Sentence - 28 Nov. 1923. Cited in: https://jsumundi.com/fr/document/decision/en-rio-grande-irrigation-and-land-company-ltd-great-britain-v-united-states-award-wednesday-28th-november-1923#decision_2987

شکل‌گیری این نتیجه نامعقول خواهد شد که یک دادگاه و یا دیوان داوری بین‌المللی در راستای انجام وظایف خود عملاً بی‌نیاز از توافق طرفین و یا قوانین بوده و بتواند با تکیه بر هویت خود وظایف خود را طبق هنجارهایی که عموماً برای مراجع حل اختلاف وجود دارد استفاده کند (Vandensande, 2018: 201). لذا، تکیه بر هویت یک مرجع در جایگاه تعریف اختیاراتی مربوطه، موضوعی است که امروزه کمتر کسی حاضر به دفاع از آن خواهد بود، خصوصاً که چنین استنتاجی ممکن است آن را گرفتار یک چرخه بیهوده و یا دور منطقی کند (Brown, 2006: 228).

۴-۱. ضرورت اجرا در عملکردهای دادگاه‌های بین‌المللی

چهارمین منشأ اختیار ذاتی، نیاز دادگاه‌ها به حصول اطمینان از انجام وظایف آن‌ها است. عملکرد دادگاه‌های بین‌المللی معلوم می‌کند که این دادگاه‌ها از چه اختیاراتی به‌عنوان اختیارات ذاتی برخوردار هستند. از منظر این رویکرد، اختیارات ذاتی به‌عنوان اختیارات لازم و ضروری برای تحقق اهداف عینی طرفین توصیف می‌شوند و فقدان آن‌ها باعث به‌خطر افتادن عملکرد دیوان داوری و در نهایت یکپارچگی و انسجام آن خواهد شد (Moses, 2016: 3; Caron, 1986: 478).

دو رویکرد عمده در مورد عملکرد دادرسی‌های بین‌المللی وجود دارد؛ از یک منظر، وظیفه اختصاصی یک نهاد حل‌وفصل اختلاف بین‌المللی حل اختلاف میان طرفین و صدور حکمی محدود به خواسته طرفین دعوا است که معمولاً در اسناد مؤسس آن‌ها قید شده است.^۱ در مقابل، این دیدگاه عملکرد عمومی وجود دارد که دیوان داوری عملکردی فراتر از صرف فصل خصومت میان طرفین داشته و ماهیت داوری اقتضا می‌کند که در راستای ایجاد هنجارهای مثبت میان اعضای جامعه و تنظیم روابط اشخاص و هنجارهای اجتماع، وظایفی از قبیل حصول اطمینان از اجرای صحیح عدالت بین‌المللی در رسیدگی‌ها، کنترل بر فرایند رسیدگی و در نظرگیری منافع اشخاص ثالث

1. Larsen v. Hawaiian Kingdom, PCA Case No. 1999-01. Cited in: <https://pcacases.com/web/sendAttach/123>

نیز توجه داشته باشد (Brown, 2006: 230) لذا، در صورتی که منابع داوری تکافوی نیاز داوران را نکرده و باور به عدم برخورداری داور از اختیارات ضروری، دیوان داوری را با چالش عدم کارایی و به مخاطره افتادن انسجام و یکپارچگی داوری روبرو کند داوران می‌توانند با اتکا به اختیارات ذاتی خود به اجرای کلیه وظایف خود پرداخته و از انجام کامل آن‌ها اطمینان حاصل کنند.

در تأیید این رویکرد می‌توان به اظهار نظر دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده معروف «آزمایش‌های هسته‌ای» در ارتباط با اختیار ذاتی اشاره کرد که دیوان آن را وسیله‌ای برای حصول اطمینان از انجام وظایف خود و محافظت از شخصیت قضایی و عملکرد اصلی دیوان دانسته است.^۱ بسیاری از نویسندگان اتکا به اختیارات ذاتی را یک شرط ضروری برای انجام وظایف دادگاه‌ها دانسته و از چنین مبنایی حمایت به عمل آورده‌اند (Gaeta, 2003: 364).

۲. تفاوت و تشابه اختیارات ذاتی، ضمنی و صوابدیدی

اختیارات ضمنی به‌عنوان اختیارات برگرفته از اسلوب‌های تفسیری منابع داوری و اختیارات صوابدیدی به‌عنوان حق اعمال صوابدید اعطاشده در منابع داوری، به لحاظ منبع‌شناسی، اختیارات برگرفته از منابع داوری هستند. در حالی که از اختیارات ذاتی زمانی سخن به میان خواهد آمد که منابع داوری، در تأمین اختیارات داور به‌وسیله اختیارات صریح، ضمنی و صوابدیدی ناتوان باشد، در نتیجه اختیارات ذاتی ماهیتی مستقل از منابع داوری دارد، به نحوی که تصریح یک اختیار در منابع داوری سبب نفی ماهیت ذاتی آن خواهد شد (Bjorklund & Brosseau, 2018: 37).

علاوه بر آن، شرایط استفاده از این اختیارات کاملاً از یکدیگر متفاوت و متمایز است. از اختیارات ضمنی هنگامی که داور با ابهام و اجمال در بندهای موافقت‌نامه و

1. Nuclear Tests (Austl. v. Fr.), 1974 I.C.J. 253 (Dec. 20). Cited in: <https://www.icj-cij.org/en/case/58>

موارد قوانین روبرو بوده، به تجویز اصل تفسیر مؤثر منابع داوری و با رعایت اصول حاکم بر تفسیر منابع داوری استفاده می‌شود (Brown, 2006: 225). همچنین به‌کارگیری اختیارات صوابدیدی در وهله نخست منوط به تصریح حق اعمال صلاحدید در منابع داوری است و بدون آن، چنین حقی برای داور به وجود نخواهد آمد. افزون بر آن داور در اعمال صوابدید خود آزاد و خودسر عمل نکرده و علاوه بر رعایت محدودیت‌های مقرر در موافقت‌نامه و قانون داوری، تابع اصول دادرسی به‌عنوان اصول تضمین‌کننده حقوق طرفین خواهد بود (Sandberg, 2012: 27).

اعمال اختیارات ذاتی نیز زمانی صورت می‌گیرد که فقدان نص در منابع داوری سبب ابهام در صلاحیت داور و نیز به خطر افتادن انسجام و یکپارچگی داوری و عدم نیل دیوان داوری در صدور یک رأی نهایی لازم‌الاجرا شود. این سه دسته اختیارات دارای وجوه تشابه مشترکی نیز هستند، از جمله اینکه هر سه دسته اختیارات ذاتی، ضمنی و صوابدیدی به لحاظ فقدان تصریح آن‌ها در منابع داوری، جزو اختیارات تصریح نشده قرار گرفته و در تقابل با اختیارات صریحی قرار دارند که مفاد آن به دلالت صریح بیان شده است. اختیارات صریح به‌واسطه آنکه مستقیماً از توافق طرفین برگرفته می‌شود، از اهمیت بسزایی برخوردار بوده و از این جهت به‌کارگیری اختیارات ذاتی، ضمنی و صوابدیدی، نه تنها نباید در تقابل با اختیارات صریح قرار گیرد، بلکه تابع محدودیت‌های تصریح‌شده در منابع داوری خواهد بود.

۳. تحدیدپذیری و تحدیدناپذیری اختیارات ذاتی داوران

سؤالی که این گفتار درصدد پاسخ به آن است، این است که آیا استفاده از اختیارات ذاتی را می‌توان به‌وسیله منابع داوری محدود کرد؟ در پاسخ، دو دیدگاه عمده وجود دارد که ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. تحدیدناپذیری اختیارات ذاتی

اختیارات ذاتی در راستای حصول یک رأی نهایی لازم‌الاجرا با توسل به شیوه‌های منصفانه، بی‌طرفانه و عادلانه است. چنین اختیاراتی آن‌چنان در عملکرد دیوان داوری حائز نقش اساسی است که برخی از آن با عنوان «وظایف» دیوان داوری نام برده‌اند (ILA Report, 2014: 17). لذا، ایجاد هرگونه محدودیتی از سوی طرفین، فرایند داوری را تضعیف کرده و داوران را در انجام اهداف و وظایف خود با موانع بسیاری روبرو خواهد کرد. در نتیجه، نمی‌توان اعمال اختیارات ذاتی را محدود کرد.

در تقویت این دیدگاه، می‌توان به تصمیم دیوان داوری در دعوی رلیاستار علیه شرکت ای ام سی نشنال لایف^۱ اشاره کرد. در این دعوی، با اینکه طرفین در موافقت‌نامه داوری به صراحت با تقسیم هزینه‌های داوری، اختیار داوران را در تخصیص هزینه‌ها محدود کرده بودند، اما داوران در جریمه و مجازات طرف با سوءنیت، با استفاده از اختیار ذاتی خود، هزینه‌هایی را علیه وی تعیین کردند که متعاقباً این تصمیم در دادگاه نیز مورد تأیید قرار گرفت.^۲

۳-۲. تحدیدپذیری اختیارات ذاتی

اگر اختیاری برای اجرای عملکردهای خاص یک دادگاه بین‌المللی لازم نباشد دادگاه مذکور نمی‌تواند ادعای چنین اختیار ذاتی را داشته باشد. بر اساس این رویکرد، با توجه به ماهیت قراردادی نهاد داوری، اختیارات ذاتی اختیارات نامحدودی نیستند و دیوان‌های داوری می‌بایست در به‌کارگیری اختیارات ذاتی، محدودیت‌های برگرفته از توافق و اراده طرفین را در نظر بگیرند. در حقیقت ماهیت دیوان داوری به‌عنوان یک نهاد حل‌وفصل اختلاف بین‌المللی و واگذاری وظیفه حل اختلاف به داور از سوی طرفین به صورت خودکار داوران را در راستای انجام وظایف خود حائز اختیار ذاتی می‌کند،

1. ReliaStar v. EMC National Life Company

2. ReliaStar Life Ins. Co. NY v. EMC Nat. Life Co., 564 F.3d 81 (2d Cir. 2009). Cited in <https://caselaw.findlaw.com/us-2nd-circuit/1113577.html>

اما طرفین از طریق اعمال اراده خویش به صورت صریح و ضمنی در منابع داوری این حق را دارند تا اختیارات ذاتی داوران را محدود سازند. لذا، اختیارات ذاتی از این منظر نباید در تناقض با اختیارات صریح و ضمنی قرار گیرد.

حتی در تصمیم دیوان در دعوی ReliaStar v. EMC National Life Company دادگاه در تأیید این تصمیم، فرض توافق طرفین بر تقسیم پرداخت هزینه‌ها را صرفاً ناظر به زمانی دانسته که هر دو طرف با حسن نیت عمل کنند و از این جهت که یکی از طرفین با حسن نیت عمل نکرده است، دیوان را دارای اختیار ذاتی بر تودیع بخشی از هزینه‌های داوری دانسته است.^۱ بدیهی است از مفهوم مخالف این استدلال دادگاه می‌توان نتیجه گرفت که اگر توافق طرفین ناظر به فرض سوءنیت می‌بود، دیوان حق استفاده از اختیارات ذاتی خود را نخواهد داشت.

۴. اختیارات ذاتی داوران در رویه دیوان‌های داوری بین‌المللی

برای اجرای عملکرد دیوان‌های داوری، اختیارات ذاتی لازم است. از رهگذر عملکرد این دیوان‌ها معلوم می‌شود که کدام اختیارات به‌عنوان اختیارات ذاتی قابل اعمال هستند. ذیلاً اختیارات ذاتی داوران در عملکرد دیوان‌های داوری بین‌المللی مورد نقد، بررسی و مذاقه قرار می‌گیرد.

۴-۱. اختیار تشخیص صلاحیت

صلاحیت دیوان داوری را می‌توان جزو آثار اولیه موافقت‌نامه‌های داوری دانست. اختیار تشخیص صلاحیت مأخوذ از دکترین «صلاحیت تشخیص صلاحیت» است که بر اساس آن داوران منتخب باید صلاحیت تصمیم‌گیری در مورد موضوع اختلاف‌های مربوط به صلاحیت خود را داشته باشند و به‌وسیله آن محدوده صلاحیت خود بر دعوا

1. ReliaStar Life Ins. Co., NY v. EMC Nat. Life Co., 564 F.3d 81 (2d Cir. 2009). Cited in: <https://caselaw.findlaw.com/us-2nd-circuit/1113577.html>

را تعیین کنند (Tang, 2014: 75). دکترین مزبور به‌عنوان بخش اساسی و ذاتی فرایندهای داوری، صلاحیت داوران را نسبت به حل اختلاف‌های صلاحیتی خود و اتخاذ تصمیم راجع به حدود یا قلمرو صلاحیت خود تبدیل به یک قاعده سنتی در رسیدگی‌های بین‌المللی کرده است؛ به طوری که در بسیاری از قواعد داوری بین‌المللی از جمله در بند ۱ ماده ۴۱ کنوانسیون ایکسید (۱۹۶۵)، بند ۵ ماده ۶ قواعد دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی (۲۰۲۱) و بند سوم ماده ۶ کنوانسیون اروپایی راجع به داوری بازرگانی بین‌المللی (۱۹۶۱) مورد پذیرش قرار گرفته است. دو مبنا برای نظریه صلاحیت تشخیص صلاحیت ارائه شده است؛ مبنای نخست، انطباق نظریه مذکور با قصد صریح یا ضمنی طرفین داوری مبنی بر حل و فصل کلیه اختلاف‌های مطروحه به روش داوری است (مافی، ۱۳۹۷: ۱۹۷). مبنای دوم بر اساس اختیار ذاتی دیوان داوری در حل اختلاف‌های مربوط به صلاحیت خود در فرض عدم وجود مقرر صریح است (Born, 2020: 1765). بر این اساس، اختیار تعیین صلاحیت در دادرسی‌های بین‌المللی به‌عنوان یک عنصر ضروری محسوب شده و از این رو، اختیار آن مرجع در تصمیم‌گیری نسبت به صلاحیت خود مفروض خواهد بود، به نحوی که ارتباط مستقیمی با کارآمدی نهاد داوری داشته و پشتوانه کارایی و کارآمدی رسیدگی‌های داوری اقتضا دارد تا دیوان داوری به‌عنوان یک نهاد حل و فصل‌کننده اختلاف، در مورد رسیدگی به صلاحیت خود از شایستگی لازم برخوردار باشد. اختیار ذاتی حل اختلاف‌های صلاحیتی مخصوص کلیه نهادهای قضائیه است و برای اجرای وظایف آنها ضروری محسوب می‌شود (مافی، ۱۳۹۷: ۱۹۷-۱۹۴).

تحلیل رویه دیوان‌های داوری در برخورد با مسئله تشخیص صلاحیت خود، مؤید مبنای اختیار ذاتی دیوان در ارتباط با اختیار تشخیص و تعیین حدود صلاحیت است. برای مثال، دیوان داوری پرونده United States v. Rio Grande Irrigation Co. در تشریح

اختیار تشخیص صلاحیت خود بر دعوای مطروحه در صورت فقدان مقررات صریح، با استناد به اختیار ذاتی خود آن را مختص کلیه مراجع حل و فصل اختلاف‌ها دانست.^۱

۴-۲. اختیار صدور دستور موقت

هدف از صدور تدابیر موقتی توسط دیوان داوری حفظ حقوق طرفین دعوا و پرهیز از وقوع خسارت غیرقابل جبران تا زمان صدور رأی قطعی در ماهیت اختلاف است. در واقع، موضوع دستور موقت نمی‌تواند منتظر رأی در ماهیت اختلاف باقی بماند. عملکردهای مقدماتی دادگاه‌های بین‌المللی دولایه هستند. حل و فصل اختلاف‌ها به وسیله دادرسی و اجرای صحیح عدالت بین‌المللی. اختیار دادگاه‌های داوری به اعطاء تدابیر موقت برای اجرای هر دوی این عملکردها لازم است. اگر دادگاه‌های بین‌المللی قادر نباشند قراردادهایی صادر کنند که جلوی اقدام زیان‌بار را بگیرد و از صلاحیت آن‌ها در صدور یک رأی مؤثر حفاظت نکند عملکرد مراجع مذکور تضعیف خواهد شد (براون، ۱۳۹۴: ۱۹۷ و ۲۱۸).

مرجع داوری افزون بر رسیدگی ماهوی، گاه باید صلاحیت دستور اقدامات موقتی را در اختیار داشته باشد که شامل اقدام‌های فوری گسترده‌ای در جهت ممانعت از لطمه به فرایند رسیدگی داوری یا وخیم شدن یا تشدید اختلاف است (Moses, 2017: 101). علی‌رغم تصریح اختیار صدور دستور موقت در بسیاری از مقررات راجع به داوری، این سؤال مطرح است که در صورت فقدان مقررات صریح حاکم بر موافقت‌نامه داوری، آیا داور اختیار صدور دستور موقت دارد یا خیر. اختیار به صدور دستور موقت می‌تواند به عنوان اختیار ذاتی دیوان‌های داوری و به دلیل ضرورت اجرای عملکرد مطلوب این دیوان‌ها اعمال شود. در این راستا، دو مبنا از سوی مفسرین ابراز شده است؛ مبنای نخست بر اساس اصل حسن نیت قابل توجیه است. بر این اساس، هدف غایی از صدور

1. United States v. Rio Grande Irrigation and Land Company, Ltd. (Great Britain), Arbitrage ad hoc, Sentence - 28 Nov. 1923. Retrieved on 19, May 2021 from:

https://jsumundi.com/fr/document/decision/en-rio-grande-irrigation-and-land-company-ltd-great-britain-v-united-states-award-wednesday-28th-november-1923#decision_2987.

دستور موقت که حفظ وضع موجود در طول داوری و ممانعت از ورود ضرر به طرفین دعوا است، با اصل حسن نیت که بر اساس آن طرفین داوری ضمن توافق به ارجاع اختلاف به داوری، متعهد به نگه‌داشتن وضع موجود در جریان داوری و حفظ حقوق و علائق یکدیگر است، مطابقت خواهد داشت. دومین مبنای صدور دستور موقت بر اختیارات ذاتی داور است. طرفین داوری با توافق بر صلاحیت مرجع داوری نسبت به ختم خصومت، داور را در تعیین تکلیف نهایی اختلاف و ایفای کلیه اختیارات در این مسیر، اعلام و انشاء کرده‌اند، لذا زمانی که داور با شرایطی روبروست که فاقد مجوز صریح است، می‌تواند با مراجعه به اختیارات ذاتی خود نسبت به حل و فصل اختلاف اقدام کند؛ به عبارت دیگر، صلاحیت داور برای حل اختلاف مستلزم به‌کارگیری کلیه ابزارهای موجود در جهت رفع اختلاف است و از این رو، داور می‌تواند بر اساس اختیارات ذاتی خود مبادرت به صدور دستور موقت نماید (مافی، ۱۳۹۷: ۱۳۵)

علاوه بر آن، دیوان داوری دعاوی ایران و ایالات متحده، مکرراً به اختیارات ذاتی خود در صدور دستور موقت اشاره کرده است. برای نمونه، در دعوی E-Systems, Inc. v. Iran پس از طرح دعوی شرکت آمریکایی در دیوان علیه وزارت دفاع ایران و متعاقباً طرح دعوی متقابل از سوی وزارت دفاع ایران علیه شرکت آمریکایی در دادگاه عمومی تهران دیوان در قالب دستور موقت، دستور به توقف رسیدگی به دعوی متقابل مطروحه در دادگاه تهران را صادر کرد. دیوان در توجیه چنین اقدامی، به اختیارات ذاتی خود در راستای صدور دستوراتی که برای حفظ حقوق طرفین ضروری است استناد کرد.^۱

مشابه چنین تصمیمی را می‌توان در دعوی RCA Globcom Communications, Inc. v. Iran و Reading & Bates Corporation v. Iran نیز مشاهده کرد که دیوان با تکیه بر

1. E-Systems, Inc. v. Islamic Republic of Iran, 491 F. Supp. 1294 (N.D. Tex. 1980). Cited in: <https://jusmundi.com/en/document/decision/en-e-systems-inc-v-the-government-of-the-islamic-republic-of-iran-bank-melli-iran-interim-award-award-no-itm-13-388-ft-saturday-2nd-april-1983>

اختیارهای ذاتی خود، دستور به توقف رسیدگی به دعاوی متقابل مطروحه را صادر کرد. آنچه در این تصمیم‌ها حائز اهمیت است این است که دیوان علی‌رغم وجود اختیار صریح صدور دستور موقت در ماده ۲۶ قواعد داوری دیوان به اختیار ذاتی خود برای حفظ حقوق طرفین اتکا کرده است. برخی این اقدام دیوان را یک تصمیم نادر در رسیدگی‌های داوری بین‌المللی به حساب آورده که مبنای واضحی ندارد.^۱

سابقه صدور دستور موقت بر اساس اختیار ذاتی در رویه داوری‌های ایکسید نیز قابل توجه است. به‌عنوان مثال در دعوی *Biwater Gauff v. Tanzania* دیوان داوری در راستای جلوگیری از افشای اسناد محرمانه مربوط به فرایند داوری، در قالب دستور موقت افشای کلیه اسناد داوری نظیر صوت‌های ضبط‌شده، اسناد و ادله ارائه‌شده از سوی طرفین، اظهارات گواهان، مکاتبات میان طرفین به اشخاص ثالث را ممنوع اعلام کرد.^۲ از اظهارات دیوان در توجیه این اقدام که آن را اطمینان از تحقق رسیدگی به‌طور منظم و منصفانه دانسته می‌توان نتیجه گرفت که دیوان مبنای صدور دستور موقت خود را اختیارهای ذاتی دیوان قرار داده است.

۳-۴. اختیار حمایت از تمامیت رسیدگی و صدور رأی لازم‌الاجرا در تعارض منافع

گاهی داوران با چالش‌هایی روبرو می‌شوند که ممکن است وظایف داور را در صدور رأی لازم‌الاجرا با موانعی مواجه کنند. بی‌تردید، در چنین شرایطی تجهیز داوران به ابزارهای کنترلی در مدیریت دعوا ضروری است تا قادر به حفظ تمامیت رسیدگی و حصول اطمینان از عادلانه بودن آن باشند. در نتیجه، باور به انفعال و عدم واکنش داوران در این شرایط فوق‌العاده و استثنایی، اعتبار فرایند داوری و رأی صادره را با ابهام‌هایی مواجه خواهد کرد. یکی از بارزترین مصادیق آن، وجود وضعیت تعارض

۱. به نظر می‌رسد، تصمیم دیوان در توسل به اختیار ذاتی خود، به جای اختیار صریح ماده ۲۶، راهی برای فرار دیوان از محدودیت‌های مقرر در ماده ۲۶ نسبت به صدور دستور موقت است (پیران، ۱۳۸۸: ۲۵۴).

2. *Biwater Gauff (Tanzania) Ltd. v. United Republic of Tanzania*, ICSID Case No. ARB/02/22, Procedural Order No. 3 (29 Sept. 2006). Cited in: <https://www.italaw.com/cases/157>

منافع میان داوران، وکلا و مشاوران طرفین است که با خلل در اصل استقلال و بی طرفی مقام رسیدگی کننده مانع عادلانه بودن روند رسیدگی داوران خواهد بود.

سؤال اصلی این است که با فرض فقدان مقرر صریح در موافقت نامه و قوانین داوری، صورتی که در یک رسیدگی داوری، داوران، وکلا، مشاورین و نمایندگان طرفین دعوای داوری در وضعیت تعارض منافع قرار گیرند، دیوان داوری در پاسخ چه اختیاراتی برای رفع مانع مزبور خواهد داشت؟

در چنین شرایطی، اختیارات ذاتی داوران اقتضا دارد زمانی که داوران با چالشی مواجه شوند که خطر تضعیف مأموریت و وظیفه آن‌ها را به همراه دارد، این اختیار را خواهند داشت تا با رفع موانع موجود، به دفاع از تمامیت خود بپردازد. اهمیت حیاتی این دسته از اختیارات ذاتی سبب شده که از آن نه به عنوان یک اختیار و آزادی عمل دیوان داوری بلکه به عنوان «وظیفه و تکلیف داوران» تعبیر شود (Bishop & Stevens, 2011: 21). در این راستا، برخی پیشنهاد داده‌اند که داور در چنین شرایطی، از انتخابات طرفین در صورت امکان در چارچوب روند قانونی داوری خارج شده و در غیر این صورت استعفا دهد (ILA Report, 2014: 19). با اینکه در رویه عملی داوران اعمال اختیار ذاتی بر کناره‌گیری از ادامه رسیدگی مشاهده نشده، اما برخی دیوان‌های داوری اعمال اختیار ذاتی دال بر به محرومیت وکیل از مشارکت در پرونده در صورت وجود وضعیت تعارض منافع تصمیم‌گیری کرده‌اند.^۱ برای مثال می‌توان به پرونده *Hrvatska Elektroprivreda v. Republic of Slovenia* اشاره داشت. در این دعوا، خواهان از دیوان تقاضای صدور دستور مبنی بر محرومیت مشارکت نماینده حقوقی خوانده دعوا به جهت وجود سابقه همکاری او در یک موسسه حقوقی با رئیس دیوان داوری را کرد. دیوان در نهایت با استناد اختیار ذاتی خود برای اتخاذ تدابیری جهت حفظ یکپارچگی رسیدگی‌ها و نیز با توجه به وجود وضعیت تعارض منافع حضور نماینده

1. The Rompetrol Group N.V. v. Romania, ICSID Case No. ARB/06/3, Decision of the Tribunal on the Participation of a Counsel - 14 June. 2010. Cited in: Giorgetti, 2015 :378-380.

حقوقی خوانده را نامناسب تشخیص داده و حکم به ممانعت از مشارکت او به‌عنوان وکیل حقوقی خوانده دعوا صادر کرد.^۱

۴-۴. اختیارات حمایتی در برابر سوء رفتار طرفین

حساسیت‌های بالای داوری سبب شده که طرفین جهت غلبه حقوقی بر طرف مقابل از هرگونه تقابل چالش‌برانگیز استفاده برده که بعضاً منتهی به ارتکاب سوءرفتارها و تاکتیک‌های چریکی^۲ می‌شود. واژه سوءرفتار در لغت به معنی نقض عامدانه یک قانون یا استاندارد و رفتار غیرقانونی و نامناسب گفته می‌شود (Black, 1990: 1089). در داوری‌های بین‌المللی این واژه به رفتارهایی گفته می‌شود که در طول فرایند داوری، طرفین دعوا، وکلا و یا مشاوران آن‌ها، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با هدف انحراف جریان داوری به نفع خود و بهره‌گیری از آن به‌گونه‌ای که باعث بی‌اثر شدن آن شود مرتکب می‌شوند (Sussman & Eber, 2011: 611). سوءرفتارها شامل گستره وسیعی از کژرفتاری‌ها و رفتارهای غیرمعارف نظیر رشوه، ارباب، اذیت و آزار فیزیکی و روانی، استراق سمع، تقلب، کلاه‌برداری، سوءاستفاده از جایگاه دولتی، خشونت، تهدید، فحاشی و به طول کلی، هر رفتار غیرقانونی برای انحراف فرایند دادرسی و ایجاد مانع در آن را شامل خواهد شد (Rocha & Fávero, 2018: 43).

یکی از مهم‌ترین عوامل دخیل در ارتکاب تاکتیک‌های فوق، فقدان ابزارهای کنترلی از سوی دیوان‌های داوری در واکنش به این‌گونه رفتارها و محافظت از نظم فرایند داوری است. بر این اساس، طی نظرسنجی صورت گرفته در دانشگاه کوئین مری لندن در سال ۲۰۱۵ در ارتباط با دلایل ارتکاب این تاکتیک‌ها در داوری‌های تجاری بین‌المللی، نقش فقدان ضمانت اجراها و ابزارهای حمایتی به‌عنوان دومین ضعف

1. Hrvatska Elektroprivreda d.d. v. Republic of Slovenia, ICSID Case No. ARB/05/24, Order Concerning the Participation of Counsel, 6 May 2008. Cited in:

<https://www.italaw.com/sites/default/files/case-documents/italaw6289.pdf>

2. Guerrilla Tactic

رسیدگی‌های داوری از سوی پاسخ‌دهندگان مطرح شده است.^۱ بخشی از آن به دلیل این است که دیوان داوری، تابع توافق طرفین بوده و در برخورد با کثرت‌فشاری‌های طرفین، فاقد اقتدار و قدرت اجبارکنندگی نهادهای حاکمیتی هستند. این در حالی است که دکترین اختیارهای ذاتی به‌عنوان عامل حفظ ثبات و یکپارچگی داوری، اختیاری‌هایی را برای داوران فراهم آورده تا قادر باشند در طول فرایند رسیدگی و نیز در مرحله صدور رأی، نسبت به این رفتارها واکنش نشان داده و به این وسیله از انجام فرایند عادلانه داوری اطمینان حاصل کنند (Blankley, 2013: 446).

اقتدار ذاتی داوران در واکنش به سوءرفتارهای طرفین حائز دو اثر مهم برای دیوان داوری است؛ نخست آن‌که داور با استفاده از اختیاری‌های خود، به ترمیم تمامیت و یکپارچگی دیوان داوری خواهد پرداخت. دومین جنبه آن را می‌توان در ایجاد بازدارندگی نسبت به عدم ارتکاب مجدد رفتارهای طرفین دانست تا از عدم تکرار سوء رفتار شخص اطمینان حاصل شود.

مطالعه در رویه دیوان‌های داوری نشان می‌دهد که داوران بر اساس سوءرفتار ارتكابی، واکنش متناسب با آن را اعمال می‌کنند. یکی از بارزترین تصمیم‌های حمایتی داوران، دستور تأمین هزینه‌ها است که بر اساس آن در صورتی که شخص با طرح دعوی واهی قصد سوءاستفاده از دیوان داوری را داشته باشد به این وسیله مکلف خواهد شد تا هزینه‌های احتمالی طرف مقابل داوری را به طرق مقتضی نظیر پرداخت نقدی، ارائه ضمانت‌نامه بانکی، ضمانت اشخاص ثالث تأمین کند تا در صورت صدور رأی به نفع طرف مقابل این امکان برای وی فراهم شود که هزینه‌های متحمل در جریان داوری مورد نظر را دریافت کند.^۲

1. Queen Mary University of London and White & Case LLP. International Arbitration Survey: Improvements and Innovations in International Arbitration, (2015), pp. 6-8. Cited in: http://www.arbitration.qmul.ac.uk/media/arbitration/docs/2015_International_Arbitration_Survey.pdf.

۲. برای مشاهده رویه عملی داوران می‌توانید رجوع کنید به:

Commerce Group Corp. & San Sebastian Gold Mines, Inc. v. Republic of El Salvador, ICSID Case No. ARB/09/17 (Annulment Proceeding), Decision on El Salvador's Application for

علاوه بر این، یکی از قوی‌ترین ابزارهای حمایتی داور دستور تودیع هزینه‌های داوری است. نظام حاکم بر نحوه تخصیص هزینه‌ها علی‌الاصول تابع توافق طرفین و قانون قابل اعمال است. با این حال، اختیار ذاتی داوران به آنان اجازه می‌دهد که در مقام برخورد با رفتار سوء رفتار طرفین، پرداخت بخش قابل توجهی از هزینه‌ها را بر عهده او واگذار کند. در این راستا، می‌توان به گزارش کمیسیون داوری اتاق بین‌المللی بازرگانی در سال ۲۰۱۲ استناد کرد که دستور تودیع هزینه‌ها از سوی داور را به‌عنوان ابزار مفیدی برای تشویق رفتارهای کارآمد و بازدارندگی از رفتارهای نامعقول تلقی کرده است (ICC Report, 2012: 15). در تأیید این موضوع، تصمیم دیوان داوری اتاق بین‌المللی بازرگانی در یکی از دعاوی آن مرکز قابل توجه است که دیوان در واکنش به تأخیر عامدانه خواننده دعوا در ارائه مستندات و ادله خود که مسبوق به ابلاغ‌های مکرر دیوان بوده و در انجام عملکرد دیوان ایجاد مانع کرده بود، محکوم به پرداخت کلیه هزینه‌های داوری اعم از هزینه‌های قانونی خواهان و وکیل وی شده است.^۱

همچنین گاهی داوران در اقدام‌های حمایتی خود به رد بخشی از ادله و ادعاهای شخص با سوءنیت پرداخته و یا مبادرت به عدم استماع دعاوی متقابل وی کرده‌اند.^۲ برای نمونه در پرونده Seagate Technology v. Western Digital Corp. دیوان داوری پس از اثبات اینکه خواننده دعوا از اسناد جعلی در دفاعیات خود استفاده کرده، در واکنش استماع دفاعیات و ادله خواننده را ممنوع و از پذیرش آن خودداری کرده است.^۳

Security for Costs (20 Sept. 2012). Cited in: <https://www.italaw.com/sites/default/files/case-documents/italaw1087.pdf>

1. M & C Corporation v. Erwin Behr BmbH & Company KG and Dr. Heinz Etzel, ICC Case No. 7453/FMS, Award - 1 Mar 1994. Cited in:

<https://jsumundi.com/en/document/decision/en-m-c-corporation-v-erwin-behr-bmbh-company-kg-and-dr-heinz-etzel-award-tuesday-1st-march-1994>

۲. در این مورد، می‌توانید به تصمیم دیوان داوری در پرونده Americredit Fin. Services V. Oxford رجوع کنید.

و Hamstein Cumberland Music Grp. v. Williams و Mgmt

3. Seagate Technology v. Western Digital Corp., 834 NW 2d 555 - Minn: Court of Appeals 2013. Cited in: <https://casetext.com/case/seagate-tech-1>

۴-۵. اختیار بازنگری و تجدیدنظر در رأی داور

گاهی ممکن است پس از صدور رأی بخشی از زوایای پنهان پرونده که دارای تأثیر قاطع در روند رسیدگی و رأی صادره است مشخص شود. برای نمونه، کاشف به عمل آید که رأی بر اساس اسناد جعلی و یا شهادت کذب گواهان صدور یافته و یا سند مکتومی کشف شود که در صورت توجه دیوان می‌توانست دارای تأثیر قاطع در روند رسیدگی یا تصمیم اتخاذ شده باشد. افزون بر آن، ممکن است معلوم شود که کارشناسان فنی با دریافت رشوه، موضوعی را خلاف واقع جلوه داده باشند. آیا در چنین مواردی که داوران پس از صدور رأی از اشتباه بودن رأی صادره آگاهی می‌یابند آیا می‌توان اختیاری برای دیوان داور متصور بود که قادر به تجدیدنظر و بازبینی در رأی صادره باشد؟ در راین راستا دو دیدگاه متفاوت در رویه دیوان‌های داور متشهود است:

۴-۵-۱. عدم اختیار داوران در بازنگری و تجدیدنظر

این رویکرد با اتخاذ نگرشی سنتی و حداقلی، هیچ‌گونه حقی دایر بر بازنگری در رأی صادره را برای دیوان داور به رسمیت نمی‌شناسد. بر این اساس، فارغ از انقضاء یا عدم انقضاء مدت داور با صدور رأی رسماً وظیفه داور به پایان و رأی مشمول قاعده فراغ خواهد شد که طبق آن، شخص رسیدگی‌کننده، از اعمال هرگونه تغییر در محتوا و ماهیت رأی صادره ممنوع خواهد بود (مافی، ۱۳۹۷: ۳۹۱). افزون بر آن، دکترین اعتبار امر قضاوت‌شده به‌عنوان یکی از اصول شناخته‌شده در عرصه حقوق بین‌الملل بر اجتناب از رسیدگی مجدد به دعوی که یک بار مورد رسیدگی قرار گرفته و نسبت به آن رأی نهایی صادرشده، دلالت دارد (قاسمی و بارین چهاربخش، ۱۳۹۱: ۱۲۸). اساساً دو دلیل برای این قاعده وجود دارد. نخست، یک منفعت عمومی در قطعیت دعوا وجود دارد. لذا، این به نفع اجرای عدالت نیست که یک موضوع حل‌وفصل‌شده توسط یک دیوان صالح دوباره مورد دادخواهی و بازبینی مجدد واقع شود. دوم، طرفین دعوی حق دارند که از تعدد نگران‌کننده اقامه دعوی محافظت شود. قاعده قطعیت دعوی در

نظام‌های حقوق داخلی و بین‌المللی مطلق نیست. دادگاه‌ها و دیوان‌های داوری می‌توانند اشتباهاتی در رأی صادره بکنند. این به نفع عدالت بین‌المللی است تا به طرف اجحاف شده به وسیله یک رأی نادرست وسایل تصحیح آن داده شود. اعمال تجدیدنظر آرا عبور و تخطی از اصل اعتبار امر قضاوت‌شده و قاعده قطعیت آرا است. در پاسخ به این ایراد گفته شده که به قاعده امر قضاوت‌شده نباید اجازه داده شود از رأیی حفاظت کند که دیوان بین‌المللی آن رأی را با ارزیابی از همه حقایق منعکس نکرده است (براون، ۱۳۹۴: ۲۴۲، ۲۳۲-۲۴۳). علاوه بر آن، معمولاً در موافقت‌نامه‌های داوری از آنجایی که هدف طرفین، رسیدن به یک تصمیم قاطع برای حل اختلاف از سوی داوران است، تماماً سعی در نهایی و لازم‌الاجرا بودن رأی داور بوده و عدم پیش‌بینی اختیار تجدیدنظر در موافقت‌نامه داوری را می‌توان قرینه‌ای بر عدم وجود چنین اختیاری برای داوران دانست (عابدیان، ۱۳۹۵: ۱۶۲-۱۶۳). از سوی دیگر، محدودسازی طرق تجدیدنظر به آراء اصلاحی، تفسیری و تکمیلی در برخی قواعد داوری نیز مؤید این نظر است که داوران جز در موارد معین حق تغییر در ماهیت رأی صادره یا انشاء قاعده حقوقی جدید در آن را نخواهند داشت. در تأیید این رویکرد می‌توان به تصمیم دیوان داوری در دعاوی *ConocoPhillips v. Venezuela*^۱ و *Perenco v. Ecuador*^۲ اشاره داشت که با کشف اطلاعاتی پس از صدور رأی که حاکی از اشتباه مسلم در رأی صادره بود، دیوان در پاسخ به تقاضای تجدیدنظر و بازنگری در رأی صادره، با اعتقاد به عدم وجود چنین اختیاری رأی صادره را تحت شمول آثار امر قضاوت شده دانست.

1. *Conocophillips Petrozuata B.V. Conocophillips Hamaca B.V. Conocophillips Gulf of Paria B.V. The Claimants V. Bolivarian Republic of Venezuela the Respondent* Icsid Case No. Arb/07/30, Dissenting Opinion of Georges Abi-Saab (Decision on Respondent's Request for Reconsideration). Cited in: https://jsumundi.com/en/document/opinion/en-conocophillips-petrozuata-b-v-conocophillips-hamaca-b-v-and-conocophillips-gulf-of-paria-b-v-v-bolivarian-republic-of-venezuela-dissenting-opinion-of-georges-abi-saab-decision-on-respondents-request-for-reconsideration-monday-10th-march-2014#opinion_59
2. *Perenco Ecuador Ltd v. The Republic of Ecuador and Empresa Estatal Petróleos del Ecuador (Petroecuador)*, ICSID Case No ARB/08/6, Decision on Ecuador's Reconsideration Motion (10 April 2015). Cited in: https://jsumundi.com/en/document/decision/en-perenco-ecuador-limited-v-republic-of-ecuador-petroecuador-decision-on-ecuadors-reconsideration-motion-friday-10th-april-2015#decision_1281

۴-۵-۲. اختیار داوران در بازنگری و تجدیدنظر

طبق این رویکرد، باور به عدم اختیار بازبینی و تجدیدنظر، فرایند داوری را با چالش از بین رفتن کارایی و ثمربخشی مواجه خواهد ساخت، زیرا نه تنها با مقصود ارجاع طرفین به داوری که رسیدن به کشف حقیقت بوده، انطباق ندارد، بلکه می‌تواند راه را برای سوءاستفاده‌های احتمالی طرفین باز کند. این چالش‌ها سبب شده تا دیدگاه جدیدی مبنی بر اختیار ذاتی داوران در بازبینی و تجدیدنظر در رأی و تغییر تصمیم اتخاذ شده مطرح شود. این نگرش با رویکردی غایت‌شناسانه و با انعطاف‌پذیری بیشتر، دیوان داوری را نهادی فعال تلقی کرده که قادر است در صورت کشف اشتباه در تصمیم خود، به‌وسیله بازنگری در رأی از انسجام و جایگاه داوری و هدف غایی آن دفاع کند (Cantelmo, 2017: 239).

رویه دیوان در پاسخ به تقاضای طرفین و اعمال اختیار ذاتی تجدیدنظر و بازنگری، نشانگر نتایج چندان واضح و روشنی در این خصوص نیست. برای نمونه، در پرونده *Dames & Moore v. Iran*، دیوان در پاسخ به تقاضای دولت ایران به‌عنوان خواننده دعوا مبنی بر بازبینی در رأی که بر اساس اسناد جعلی و فاکتورهای تقلبی و شهادت‌های دروغین صادره شده بود، اگرچه وجود اختیارات ذاتی دیوان را مورد تأیید قرار داد اما در این پرونده، دلایل را جهت اعمال چنین اختیاری کافی ندانست.^۱

مشابه چنین تصمیمی در پرونده‌های موسوم به *A27* و *Frederica Lincoln Riahi v. Iran* از سوی دیوان اتخاذ شد و در هر دوی آن‌ها، دیوان در پاسخ به تقاضای اعمال تجدیدنظر و بازبینی، اگرچه وجود اختیار ذاتی تجدیدنظر و بازنگری را تلویحاً مورد تأیید قرار داد اما شرایط پرونده را قانع‌کننده برای اعمال چنین تصمیمی تلقی نکرد ولی

1. *Dames & Moore v. The Islamic Republic of Iran, The Atomic Energy Organization of Iran, The National Iranian Steel Company, The Iranian Medical Center and The National Iranian Gas Company*, IUSCT Case No. 54. Decision (Decision No. DEC 36-54-3) - 23 Apr 1985. Cited in: https://jusmundi.com/en/document/decision/en-dames-moore-v-the-islamic-republic-of-iran-the-atomic-energy-organization-of-iran-the-national-iranian-steel-company-the-iranian-medical-center-and-the-national-iranian-gas-company-decision-decision-no-dec-36-54-3-tuesday-23rd-april-1985#decision_4848

اظهارنظر دیوان در پرونده B61^۱ حائز اهمیت است که برای نخستین بار به لحاظ ماهوی به بررسی اختیارات ذاتی خود پرداخته و آن را جزو لاینفک تکالیف کلیه دیوان‌ها و دادگاه‌های بین‌المللی برای حصول اطمینان از ایفاء وظایف آن‌ها دانست؛ به نحوی که باور به عدم چنین اختیاری منتهی به خلل در ایفاء وظایف خود خواهد شد (عابدیان، ۱۳۹۵: ۱۸۸-۱۹۲، ۲۰۳).

سابقه طرح اختیار ذاتی تجدیدنظر و بازنگری در رویه سایر دیوان‌های داوری نیز مسبوق به سابقه است.^۲ برای نمونه در داوری میان دولت‌های فرانسه و بریتانیا نسبت به تعیین فلات قاره میان دو کشور دولت انگلستان به تصمیم دیوان داوری اعتراض و با توجه به اشتباه و تناقض آشکار در محاسبات مربوط به نمودار خط مرزی تقاضای اعمال تجدیدنظر را بر اساس اختیارات ذاتی کرد. در نهایت دیوان با تصریح به وجود اختیار ذاتی برای تصحیح اشتباه اساسی در رأی صادره رأی خود را اصلاح کرد.^۳ ابزار تجدیدنظر برای پرهیز از اشتباهات داوری معرفی شده است. با این وجود اختیار تجدیدنظر به طور محدود تفسیر شده است و استثنائی بر اصل قطعیت و اعتبار امر مختوم در مواردی است که یک رأی بر اساس ادله متقالبانه بنا شده است. از این رو شرایطی در رویه بین‌المللی برای تجدیدنظرخواهی در نظر گرفته شده است: نخست،

1. The Islamic Republic of Iran v. The United States of America, IUSCT Case No. B61. Partial Award (Award No. 601-A3/A8/A9/A14/B61-FT) - 17 July 2009. Cited in: <https://iusct.com/cases/b61-partial-award-no-601-17-july-2009/>

۲. برای نمونه می‌توان به تصمیم دیوان مختلط دعاوی ایالات متحده و آلمان در پرونده Sabotage Cases اشاره کرد که دیوان داوری در پاسخ به ادعای دولت آمریکا مبنی بر استفاده‌ی دولت آلمان از مدارک متقالبانه و سوگندنامه‌های دروغین جهت تحصیل رأی و نیز با توجه به عدم پیش‌بینی طرق اعتراض به رأی در این موارد، به بازنگری و تصحیح رأی خود پرداخت. ن.ک.:

Sabotage Cases, Lehigh Valley Railroad Company (U.S.A.) v. Germany. Award - 9 Nov 1934. Cited in: https://jsumundi.com/en/document/decision/en-sabotage-cases-lehigh-valley-railroad-company-u-s-a-v-germany-award-friday-9th-november-1934#decision_2828

3. Arbitration between the UK and France on the Delimitation of the Continental Shelf, 54 I.L.R. 6 (1977). Cited in: Reports of International Arbitral Awards, 30 June 1977, Vol. Xviii, pp. 3 - 413, Retrieved on 19, July 2021 from: https://legal.un.org/riaa/cases/vol_XVIII/3-413.pdf

درخواست تجدیدنظر یک رأی زمانی می‌تواند ارائه شود که بر اساس کشف یک حقیقت باشد. دومین شرط برای تجدیدنظر این است که حقیقت جدید باید از چنان ماهیتی برخوردار باشد که اثر قطعی بر رأی بگذارد. سومین شرط این است که حقیقت باید برای دادگاه یا دیوان بین‌المللی و همین‌طور برای طرفی که ادعای تجدیدنظر می‌کند به موقع خود معلوم نباشد. چهارمین شرط این است که عدم اطلاع از حقیقت جدید نباید به واسطه قصور طرف درخواست‌کننده تجدیدنظر باشد. پنجمین شرط در آیین تجدیدنظرخواهی محدودیت زمانی برای چنین درخواست‌هایی است. نزد دیوان‌های داوری محدودیت‌های زمانی کوتاه است. برای مثال درخواست برای تجدیدنظر نزد دیوان داوری مرکز حل و فصل اختلاف‌های سرمایه‌گذاری (ایکسید) باید ۱۲۰ روز از تاریخ صدور رأی تسلیم شود، مگر این‌که درخواست مبتنی بر اخذ رشوه باشد که در این صورت باید ظرف ۱۲۰ روز از تاریخ کشف موضوع تسلیم شود، اما باید ظرف سه سال از تاریخ صدور رأی به عمل آید (بند ۲ ماده ۵۱). توافق کلی بین دادگاه‌های بین‌المللی این است که همه پنج شرط باید تجمیع شود تا درخواست تجدیدنظر قابل استماع باشد (براون، ۱۳۹۴: ۲۶۶، ۲۵۴، ۲۶۳- (۲۷۱).

فرجام سخن

داوران در مسیر رسیدن به وظایف و اجرای عملکردهای نهاد داوری، دارای اختیارهایی هستند که مستقیماً از منبع اختیارهای آنان یعنی موافقت‌نامه و قانون حاکم بر رسیدگی داوری نشئت می‌گیرد. این اختیارها شامل اختیارهای صریح به‌عنوان اختیارهایی که به دلالت صریح در منابع تصریح می‌شوند، اختیارهای ضمنی به‌عنوان اختیارهای برگرفته از تفسیر نصوص داوری و اختیارهای صوابدیدی به داوران اعطاشده هستند. این اختیارها، اگرچه تا حد قابل توجهی در تصمیم‌گیری‌های دیوان داوری مؤثرند، اما ممکن است داوران در شرایطی گیرند که اختیارهای مزبور و منابع داوری تکافوی نیاز آنان را

نکند. در چنین شرایطی که داور با خطر از بین رفتن انسجام و یکپارچگی رسیدگی داوری مواجه می‌شود وظیفه نهایی داور در حل و فصل اختلاف و صدور رأی نهایی لازم‌الاجرا با ابهام‌هایی روبرو خواهد شد. لذا، ضرورت در عملکرد و وظایف داوران ایجاب می‌کند که داوران قادر باشند تا با تکیه بر اختیارات ذاتی خود که مأخوذ از ماهیت دیوان داوری به‌عنوان یک نهاد حل و فصل اختلاف بین‌المللی است، نسبت به شرایط پیش رو اتخاذ تصمیم کرده و از تمامیت خود دفاع کنند. در ارتباط با امکان تحدید اختیارات ذاتی در منابع داوری، اگرچه یک رویکرد، هرگونه محدودسازی اختیارات ذاتی را در تقابل با وظایف اصلی داوران تلقی کرده و به‌واسطه تضعیف نهاد داوری، به آن ترتیب اثر نخواهد داد، اما رویکرد دیگر به درستی بر این نظر است که با توجه به ماهیت قراردادی داوری، اختیارات ذاتی را می‌توان محدود کرد و چنین محدودیتی برای داوران لازم‌الاتباع خواهد بود. اختیارات ذاتی دیوان‌های داوری بین‌المللی با توجه به متغیرهایی نظیر موافقت‌نامه داوری، قانون قابل اعمال بر داوری، اختیارات صریح، ضمنی و صوابدیدی و نیز سایر اوضاع و احوال دعوا تعیین می‌شود. در نتیجه احصاء اختیارات ذاتی داوران در یک گستره جهانی عملاً غیرممکن است. با این حال، در رویه دیوان‌های داوری بین‌المللی و آثار مفسرین، از برخی اختیارات به‌عنوان اختیارات ذاتی نام برده شده که عبارت‌اند از: اختیار تشخیص صلاحیت دیوان داوری، اختیار تجدیدنظر و بازبینی در رأی صادره، اختیار صدور دستور موقت، اختیار صدور اقدام‌های حمایتی در برابر سوء رفتار طرفین و اختیار حمایت از تمامیت رسیدگی و صدور رأی لازم‌الاجرا. باور به اتخاذ تدابیر لازمه از سوی داوران با تکیه بر اختیارات ذاتی آن‌ها، حاکی از این مسئله است که امروزه اعتقاد به عملکرد منفعلانه نهاد داوری و تبعیت مطلق آن از منابع حاکم بر داوری و تلقی داوران در جایگاه صرف ارائه‌دهندگی خدمات کاملاً اهمیت خود را از دست داده و داوری را امروزه باید یک نهاد فعال تلقی کنیم که در صورت عدم پوشش موافقت‌نامه و قوانین ذی‌ربط، ماهیت و عملکرد آن ایجاب می‌کند که با استفاده از اختیارات ذاتی به‌عنوان پشتوانه کارایی و

کارآمدی داوری، از صلاحیت خود اطمینان حاصل کرده و به محافظت از تمامیت و انسجام رسیدگی‌های خود پرداخته و از وظیفه نهایی خود در صدور رأی لازم‌الاجرا دفاع به عمل آورد.

منابع

الف. فارسی

- براون، چستر (۱۳۹۴) قواعد مشترک دادرسی‌های بین‌المللی، ترجمه هادی شهپری فرجام، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
- پیران، حسین (۱۳۸۸) «دستور موقت در داوری بین‌المللی»، مجموعه مقالات همایش صدمین سال تأسیس نهاد داوری در حقوق ایران، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- عابدیان، میرحسین (۱۳۹۵) «اختیار دیوان داوری برای بازنگری و تجدیدنظر در رأی؛ تأملی در رویه دیوان داوری دعاوی ایران و آمریکا»، منتشرشده در سالنامه ایرانی داوری، سال اول، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، تهران.
- قاسمی، علی و بارین چهاربخش، ویکتور (۱۳۹۱) «جایگاه اصل اعتبار امر قضاوت‌شده در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۱۷، شماره ۶۰، صص ۱۲۷ - ۱۵۰.
- محبی، محسن (۱۳۷۸) بیانیه‌های الجزایر و دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده، چاپ اول، تهران: خط سوم.
- مافی، همایون (۱۳۹۷) شرحی بر قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.

ب. انگلیسی

- Bishop, Doak, and Margrete Stevens (2011) "The Compelling Need for a Code of Ethics in International Arbitration: Transparency, Integrity and Legitimacy, In Arbitration Advocacy in Changing Times, ICCA Congress Series, No. 15.

- Bjorklund, Andrea, & Jonathan Brosseau (2018) "Sources of Inherent Powers in International Adjudication", **European International Arbitration Review**, Vol. 6, Issue 2.
- Black, Henry Campbell (1990) **Black's Law Dictionary, Definitions of the Terms and Phrases of American**, Ninth Edition, West Publishing Co, Minnesota.
- Blankley, Kristen (2013) "Lying, Stealing, and Cheating: The Role of Arbitrators as Ethics Enforcers", **University of Louisville Law Review**. Vol. 52, pp. 443- 496.
- Born, Gary (2020) **International Commercial Arbitration**, Kluwer Law International BV, Third Edition.
- Brown, Chester (2006) "The Inherent Powers of International Courts and Tribunals", **The British Yearbook of International Law**. Vol. 76, Issue 1, pp. 195- 244
- Cantelmo, Tobia (2017) "The Inherent Power of Reconsideration in Recent ICSID Case Law", **The Journal of World Investment & Trade**, Vol. 18, No. 2, pp. 232 -270.
- Caron, David (1986) "Interim Measures of Protection: Theory and Practice in Light of the Iran-United States Claims Tribunal", **Zeitschrift**, Vol. 46, pp.445 -518.
- Gaeta, Paola (2003) Inherent Powers of International Courts and Tribunals, In Man's Inhumanity to Man: **Essays on International Law in Honour of Antonio Cassese**.
- Lauterpacht, Elihu (2008) **Iran-US Claims Tribunal Report**. Vol. 7, Cambridge University Press.
- Moore, John Bassett (1898) **History and Digest of the International Arbitrations to which the United States Has Been a Party, together with Appendices Containing the Treaties Relating to Such Arbitrations, and Historical and Legal Notes**, Vol. 5. US Government Printing Office.
- Mantakou, Anna (2014) The Misadventures of the Principle Jura Novit Curia in International Arbitration-A Practitioner's Approach, **Essays in Honor of Spyridon Vl. Vrellis**.
- Mitchell, Andrew David. and David Heaton (2009) "The Inherent Jurisdiction of WTO Tribunals: The Select Application of Public International Law Required by the Judicial Function", **Michigan Journal of International Law**, Vol. 31, Issue 3, pp. 559- 619.
- Moses, Margaret (2016) "The Role of the Arbitrator: Adjudicator or Service Provider?" **World Arbitration and Mediation Review**, Vol. 10, No. 3, pp. 3-17.

- Moses, Margaret (2017) **The Principles and Practice of International Commercial Arbitration**, Third Edition, Cambridge University Press, New York.
- Paparinskis, Martin (2011) Inherent Powers of ICSID Tribunals, Broad and Rightly So, **Investment Treaty Arbitration and International Law** 5.
- Rocha, Caio Cesar & Fávero, Gustavo (2018) “Guerrilla Tactics: Breaking Ethical Patterns in International Arbitration?”, **International Bar Association Legal Practice Division**.
- Salazar, Andrés Felipe Celis (2007) “Can WTO Members Rely on Non-WTO Law to Justify a Violation of WTO Law?”, **International Law: Revista Colombiana de Derecho Internacional** 5, No. 10.
- Sandberg, David (2012) **Jura Novit Arbitrator? How to Apply and Ascertain the Content of the Applicable Law in International Commercial Arbitration in Sweden**, Master Thesis, Gothenburg University, Gothenburg.
- Sussman, Edna, & Eber, Solomon (2011) “All’s Fair in Love and War—or Is It? Reflections on Ethical Standards for Counsel in International Arbitration”, **The American Review of International Arbitration**, Vol 22, No. 4, pp. 611-623.
- Tang, Zheng Sophia (2014) **Jurisdiction and Arbitration Agreements in International Commercial Law**, Published by Routledge, London & New York.
- Vandensande, Els (2018) **The Inherent Powers of Courts**, Dissertation Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Laws (PHD), Katholieke Universiteit Leuven, Leuven.

Cases

- Belgium v. Bulgaria, 1939 P.C.I.J. (ser A/B) 79 (1939).
- Biwater Gauff (Tanzania) Ltd. v. United Republic of Tanzania, ICSID Case No. ARB/02/22, Procedural Order No. 3 (29 Sept. 2006).
- Commerce Group Corp. & San Sebastian Gold Mines, Inc. v. Republic of El Salvador, ICSID Case No. ARB/09/17 (Annulment Proceeding), Decision on El Salvador’s Application for Security for Costs (20 Sept. 2012).
- Conocophillips Petrozuata B.V. Conocophillips Hamaca B.V. Conocophillips Gulf of Paria B.V. The Claimants V. Bolivarian Republic of Venezuela the Respondent Icsid Case No. Arb/07/30, Dissenting Opinion of Georges Abi-Saab (Decision on Respondent's Request for Reconsideration).
- Dames & Moore v. The Islamic Republic of Iran, The Atomic Energy Organization of Iran, The National Iranian Steel Company, The Iranian

- Medical Center and The National Iranian Gas Company, IUSCT Case No. 54. Decision (Decision No. DEC 36-54-3) - 23 Apr 1985.
- Dobbins, Jeffrey C, The Inherent and Supervisory Power, Ga. L. Rev. 54, 2019.
- E-Systems, Inc. v. Islamic Republic of Iran, 491 F. Supp. 1294 (N.D. Tex. 1980).
- Genie Lacayo Case, 1997 Inter-Am. Ct. H.R. (ser. C) 30 (1997).
- Hrvatska Elektroprivreda d.d. v. Republic of Slovenia, ICSID Case No. ARB/05/24, Order Concerning the Participation of Counsel, 6 May 2008.
- ICC Case No. 10596, Interlocutory Award, 2000, in XXX Y.B. COMM. ARB. 2005 66.
- La Grand Case (Germany v United States of America), I.C.J. (2002) ICLQ 449
- Larsen v. Hawaiian Kingdom, PCA Case No. 1999-01.
- Libananco Holdings Co. Limited v. Republic of Turkey, ICSID Case No. ARB/06/8, Decision on Preliminary Issues (23 June 2008).
- M & C Corporation v. Erwin Behr BmbH & Company KG and Dr. Heinz Etzel, ICC Case No. 7453/FMS, Award - 1 Mar 1994
- Nuclear Tests (Austl. v. Fr.), 1974 I.C.J. 253 (Dec. 20).
- Perenco Ecuador Ltd v. The Republic of Ecuador and Empresa Estatal Petróleos del Ecuador (Petroecuador), ICSID Case No ARB/08/6, Decision on Ecuador's Reconsideration Motion (10 April 2015).
- Queen Mary University of London and White & Case LLP (2015), International Arbitration Survey: Improvements and Innovations in International Arbitration.
- ReliaStar Life Ins. Co. NY v. EMC Nat. Life Co. 564 F.3d 81 (2d Cir. 2009).
- Sabotage Cases, Lehigh Valley Railroad Company (U.S.A.) v. Germany. Award - 9 Nov 1934.
- Seagate Technology v. Western Digital Corp., 834 NW 2d 555 - Minn: Court of Appeals 2013.
- The Islamic Republic of Iran v. The United States of America, IUSCT Case No. B61. Partial Award (Award No. 601-A3/A8/A9/A14/B61-FT) - 17 July 2009.
- The Rompetrol Group N.V. v. Romania, ICSID Case No. ARB/06/3, Decision of the Tribunal on the Participation of a Counsel - 14 June. 2010.
- United States v. Rio Grande Irrigation and Land Company, Ltd. (Great Britain), Arbitrage ad hoc, Sentence - 28 Nov. 1923.

Reports

ICC Commission Report on Controlling Time and Costs in Arbitration. (2012)

International Law Association (2014), Report for the Biennial Conference in Washington DC.

Sites

<http://www.worldcourts.com> (Last visited 16 July, 2021)

<https://legal.un.org> (Last visited 4 Oct, 2021)

<https://jsumundi.com> (Last visited 19 Aug, 2021)

<https://www.italaw.com> (Last visited 27 May, 2021)

<https://iccwbo.org> (Last visited 13 Sep, 2021)

<https://www.icj-cij.org> (Last visited 19 May, 2021)

<https://casetext.com> (Last visited 6 Aug, 2021)

<http://www.arbitration.qmul.ac.uk> (Last visited 20 Apr, 2021)

<https://pcacases.com> (Last visited 11 Oct, 2021)

<https://iusct.com> (Last visited 3 Sep, 2021)

<http://hrlibrary.umn.edu> (Last visited 19 Aug, 2021)

<https://www.ila-hq.org> (Last visited 17 May, 2021)

<https://caselaw.findlaw.com> (Last visited 24 July, 2021)